

ترجمه همایون نورا حمر

## ابسولوتیسم<sup>۱</sup> مطلق گرای، مطلق آیینی، طبیعت گرای (موسیقی اِبسولوت) و اِبسترکتیسم یا موسیقی اِبسترکت از فرهنگ هاروارد<sup>۲</sup> تألیف ویلی اپل<sup>۳</sup> و فرهنگ هارپر<sup>۴</sup> تألیف کریستین امر<sup>۵</sup>

فرعی می‌گیرد) و یا سونات‌ها سنفی هایدن و موتسارت را باید در حوزه موسیقی اِبسولوت پنداشت.

کریستین امر موسیقی‌شناس آمریکایی در فرهنگ هارپر می‌نویسد: «موسیقی اِبسولوت در مقایسه با موسیقی برنامه‌ای که داستانی را بیان می‌کند، صرفاً از برای خودش به ندا درمی‌آید و به سخن دیگر فرم ویژه خود را دارد.» فوگی از باخ و یا سونات‌ها از موتسارت که در آن فقط ایده‌ها شکل می‌گیرند یا موسیقی اِبسولوت به حساب می‌آیند.

یک آواز، آریا<sup>۱۳</sup> آهنگی دلکش برای ساز یا آواز و یا دیگر آثار یک متن نوشتاری دارند که نمی‌توان به آن موسیقی اِبسولوت نام داد، چون تا اندازه‌ای این نوع موسیقی باب می‌شود تا با معنای کلمات سازگاری داشته باشند که به آن موسیقی اِبسترکت<sup>۱۴</sup> و یا موسیقی مطلق نیز می‌گویند.

به‌طور خلاصه اِبسولوت اصل یا آموزه‌ای است که معتقد است معیارهایی تغییرناپذیر وجود دارند که با آن‌ها می‌توان یک اثر هنری را مورد داوری و قضاوت قرار داد.

و فرهنگ هارپر می‌نویسد:

موسیقی اِبسولت<sup>۱۵</sup> صرفاً به خاطر خودش وجود پیدا می‌کند و در مقایسه با موسیقی برنامه‌ای<sup>۱۶</sup> که داستانی را بیان می‌کند مغایرت دارد.

در فوگی<sup>۱۷</sup> از باخ و یا سونات‌ها از موتسارت، فقط این پنداشت‌ها موسیقی اِبسولت به شمار می‌آیند.

یک آواز، یک آریا و دیگر آثار متنی دارند که موسیقی اِبسولت به آن‌ها اطلاق نمی‌شود، چون تا اندازه‌ای موسیقی با معنای کلمات شکل می‌گیرد و فرهنگ نیرملا دوی<sup>۱۸</sup> می‌نویسد:

۱. اِبسولوتیسم یا موسیقی اِبسولوت (به معنای کل مطلق گرای، مطلق آیینی، مطلق باوری) اصل یا آموزه‌ای<sup>۶</sup> که می‌گوید معیارهای تغییرناپذیری وجود دارند که می‌توان با آن‌ها یک اثر هنری را مورد قضاوت و داوری قرار داد. یک اِبسولوتیست<sup>۷</sup> می‌کوشد و تلاش می‌کند که بگوید ارزش‌های قطعی و مسلم بنیادین<sup>۸</sup> نقص‌ناپذیر و تخطی‌ناپذیرند.

مطلق باوری در زیباشناسی و نقد ادبی اصلی است که به موجب آن معیارهای داوری درباره آثار هنری ثابت و تغییر به شمار آمده‌اند.

به سخنی دیگر اِبسولوتیست‌ها بر این باورند که هنر و ادبیات از جمله هنر نمایشنامه‌نویسی در راستای ارزش‌های بنیادین و اصولی بوده‌اند و می‌توانند محک و معیار مطمئنی برای داوری درباره آثار هنری به شمار آیند، چراکه در نزد همه فرهنگ‌ها و در همه زمان‌ها معتبرند.

اما موسیقی اِبسولوت از لحاظ و فحوا از موسیقی اضافی و آزاد و موسیقی پروگرام<sup>۹</sup> (موسیقی برنامه‌ای یا نوعی موسیقی که داستان یا تصویری را تعبیر و تفسیر کند) از دیگر موسیقی‌ها متمایزند.

اصطلاح اِبسولوتیسم در کل موسیقی آوایی<sup>۱۰</sup> کمپوزیونی بدون کلام برای آواز تنها چه برای تعلیم و چه برای اجرا به‌ویژه نوعی از موسیقی به شمار می‌آید که به‌وضوح تحت تأثیر متن باخت و ساختار شعری<sup>۱۱</sup> همانند آوازهای شوپرت قرار می‌گیرد.

سوئیت و فوگ‌های<sup>۱۲</sup> باخ (نوعی از فن بسط یک آهنگ روی تم کوچک یا آهنگی که در آن به نظر می‌آید تم اصلی از تم‌های

تصویرات باطل به‌ویژه مطالعه و تأثیرات رؤیایها و درهم‌پیچیدگی خواب و شرایط راه پیمودن در آستانه ذهن آگاه بود و به شرایطی که غفلت و محدودیت<sup>۳۳</sup> و همین‌طور اشکال عجیبی که در ورطه‌ها و مغاک‌ها (پرتگاه‌ها) ذهن آگاهی که در ذهن خود می‌پروراند تأمل داشت.

برتون در مانیفوی مانیفست خود (۱۹۲۹) توضیح می‌داد که چگونه سوررئالیست‌ها نیروی ذهن او و البته به روان<sup>۳۵</sup> جان تازه‌ای می‌آفریند و روح تازه و نو در آدمی می‌آفریند.

سرگیجه نزولی Vertineus descent در قلمرو پژوهش محض و پنهان آشکار ضد و نقیض در زندگی روزانه خود ساخته و پرداخته بود. نقطه‌ای در ذهن آدمی است که می‌انگارد و در آن سوی رئالیسم وجود دارد که شخص به علمی نو دست می‌یابد.

نویسندگانی که متد و روش‌هایشان بیشتر و صرفاً فرانسوی بود احتمالاً جدا از برتون چون لویز آراگون<sup>۳۶</sup> پل ادوار<sup>۳۷</sup> بنژامین پری<sup>۳۸</sup> می‌توان نام برد.

سوررئالیسم غیر از سینما، تئاتر و نقاشی تأثیر بیشتری داشته‌اند. نویسندگانی در این قلمرو کوشش زیادتری از خود نشان داده‌اند. با این‌همه ذهنی نیمه‌آگاه داشته‌اند. هرج و مرج و بی‌سامانی و دوزخ فردی را در معرض دید نهاده‌اند و در این راستا غالباً آگاهی و تکنیک در هم آمیخته‌اند.

سوررئالیسم اکنون در شعر و موسیقی نایاب است، اما در نمایشنامه‌ها و رمان‌ها غالباً نفوذ سوررئالیسم را نادیده نگرفته‌اند.

«موسیقی اِسولت بدون مراجعه به چیزی غیر از خود نمی‌اندیشد، نه کلامی دارد و نه تصویری از موسیقی که داستانی را بیان دارد و شرح دهد و یا صحنه‌ای را به نمایش بگذارد که برخلاف موسیقی برنامه‌ای خواهد بود.»

اِسترکت فرضیه‌ای قابل دفاع و پذیرفتن رساله گمانه یا پنداری<sup>۳۹</sup> در نقاشی‌ها و تندیس‌های مدرن به شمار می‌آید. حتی منطقی خواهد بود خاطر نشان بکنیم که نقاش اگر قصه داستان داشته باشد از خطر دام و تله حکایات اجتناب می‌کند و در عین حال خود را از گونه‌گونی معنا و مفهوم فرم‌هایی که هوشیارانه در رئالیسم تماشاگر را برمی‌انگیزاند می‌گسلد.

رئالیسم تعدیل می‌شود پل سزان<sup>۴۰</sup> می‌تواند علاقه بزرگ‌تری از نقطه نظر فورمال یا روند رسمی از اِسترکت‌های لگر<sup>۴۱</sup> باشد. اما هیچ‌یک از نقاشی‌ها نمی‌تواند دقیقاً موضوعی مطلوب برای الهام باشد. حتی اشتراوس که استاد رئالیسم است نمی‌تواند معادلی از برای موزه گلشن وان‌گوگ به تصور بیابد.

یک شعر سنفینک اشتراوس بر اساس شاهکار (Chef - dauvre) مارتینو<sup>۴۲</sup> کهن است بسیار مخوف و چندش‌آور تجسم یابد اما بخواهد حوادث را رازگونه عرضه بدارد.

در کل اِسترکتیسم چون اِسولوتیسم عمل می‌کند. در واقع آنچه که درباره اِسولوتیسم بیان داشتیم درباره اِسترکتیسم مصداق پیدا می‌کند.

سوررئالیسم<sup>۴۳</sup> در موسیقی و ادبیات این نهضت در ۱۹۲۰ در فرانسه نشئت گرفت که گسترش و نحوی از دادائیسم<sup>۴۴</sup> بود. سوررئالیست‌ها می‌کوشیدند در هنر و ادبیات اعمال ذهن ناآگاه<sup>۴۵</sup> را بیان دارند.

این کارکردها را با ذهن آگاه ادغام<sup>۴۶</sup> کنند.

سوررئالیست‌ها به کار خود رخصت می‌دهند (بدون منطق گسترش می‌دهند به‌گونه‌ای که نتایج و برآورد اعمال ناآگاه جلوه‌گر شوند).

اصطلاح اِبررئالیسم<sup>۴۷</sup> توسط گیوم آپولینر<sup>۴۸</sup> شاعر فرانسوی (۱۸۸۰ - ۱۹۱۸) به نوآوری روی آورد، اما تا سال ۱۹۳۴ که آندره برتون<sup>۴۹</sup> شاعر نخستین بیانی<sup>۵۰</sup> خود را عرضه داشت که می‌گفت ذهن می‌باید از منطق و خرد و راه خروج آزاد بماند، دوام یافت.

برتون تحت تأثیر فروکشانی<sup>۴۱</sup> فروید بود و با نوشتاری اتوماتیک یا غیرارادی به‌گونه آزمایش<sup>۵۲</sup> هیپنوتیزم<sup>۵۳</sup> را مورد تأیید قرار داد.

سوررئالیست‌ها به‌ویژه در مکالمه و اثرات رؤیایها و توهم و

پی‌نوشت:

1. Absolutism
2. Harward
3. Willi Apel
4. Harper
5. C. Ammer
6. Dactrine
7. Absolutist
8. Basic
9. Program music
10. Veeal music
11. Texture
12. Fugue
13. Aria
14. Abstract
15. Absolxt music
16. Program music
17. Fugue
18. Nirmla Devi
19. Tenable hypothesis

20. p. Cezanne
21. Leger
22. Martintraean
23. Surrealism
24. dadaism
25. Unconscicus mind
26. Synthize
27. Super - Realism
28. Guillume Apollimai
29. Ander Breton
30. Manifeste
31. Analysis
32. Experiment
33. Hypnosis
34. Limbo
35. Psychic
36. Luis Aragon
37. P, Edvar
38. Benjamin Pere

## کلاسیسیزم<sup>۱</sup> یا موسیقی کلاسیک

از فرهنگ‌های هاروارد<sup>۲</sup> تألیف ویلی اپل<sup>۳</sup> و هارپر<sup>۴</sup> تألیف کریستین امر<sup>۵</sup> و پنگوین<sup>۶</sup> و نیرملا دوی<sup>۷</sup> و دائره‌المعارف ریدرز<sup>۸</sup> در عرف و زبان موسیقی‌دانان آماتور یا غیر حرفه‌ای «موسیقی کلاسیک» معمولاً به موسیقی عمومی همگانی و یا مردم‌پسند رایج اطلاق می‌شود.

در واژگان موسیقی کلاسیسیسم با معنای بسیار محدودتری در کار گرفته می‌شود. به عبارت دیگر واژه کلاسیسیسم آثار موسیقی‌دانان دوران کلاسیک کهن چون هایدن، موتسارت و آثار اولیه بتهون و تا اندازه‌ای آثار شوپرت را دربر می‌گیرد.

موسیقی کلاسیک در مقابل سبک و شیوه قرن ۱۹ در کل با محدودیت وجود گرایانه، احساساتی و فورمالیسم<sup>۹</sup> شکل‌گرای و سادگی مشخص و متمایز می‌شود.

از زمان توار هایدن (۱۷۳۲) و بتهون و تا اندازه‌ای شوپرت (۱۸۲۷) و بر حسب تقدم و تأخر این دوره از ۱۷۵۰ تا (۱۸۲۰ م) بسط و ادامه پیدا می‌کند.

از این رو منطقی خواهد بود که ما به این دوره نام «کلاسیک» بدهیم، چرا که شاهکار موسیقی از همین عصر تا به امروز عرضه شده و پلر جا باقی مانده است.

آثار برجسته‌ای در این زمینه توسط آهنگ‌سازان اولیه و دیگران خلق شده است، همانند آثار باخ، پالسترینا، و اصطلاح کلاسیک غالباً به آثار این آهنگ‌سازان نیز اطلاق شده است. با این‌همه بهتر آن است که نام وقایع‌نگاری<sup>۱۰</sup> یا ترتیب زمانی به آن بدهیم.

به‌طور کلی اصطلاح کلاسیک به سبکی از موسیقی اطلاق می‌شود که تقریباً بین سال‌های ۱۷۸۵ و ۱۸۲۰ توسط هایدن، موتسارت و بتهون پدید آمده است.

برخی از موسیقی‌دانان و موسیقی‌شناسان موسیقی شوپرت را نیز بر

آن افزوده‌اند، در حالی که دیگران آثار پس از بتهون را که بیشتر به سبک رمانتیسیسم نزدیک است، موسیقی کلاسیک خوانده‌اند.

خصیصه اصلی کلاسیسیزم در موسیقی به محدودیت آن را می‌توان در بیان احساسات فردی آهنگ‌ساز که با موسیقی رمانتیک ارتباط پیدا می‌کند، جستجو کرد.

در کل موسیقی سازی از موسیقی آوازی دوران کلاسیک اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. فرم‌های مطلوب عبارت بودند از اورتور<sup>۱۱</sup>، مقدمه یا قطعه‌ای که برای یک اثر غنایی بزرگ ساخته می‌شود، دیورتیمونتو<sup>۱۲</sup> (معمولاً نوعی موسیقی سازی در چند موومان) تم و واریسون‌ها و انواع موسیقی در اجرای سونات، کنسرتو سنفنی و انواع موسیقی مجلسی (تریو، کوارتت، کوئینتت و غیره)

اصلاح موسیقی کلاسیک گاه برای تمییز دادن موسیقی جدی از موسیقی همگانی، عمومی رایج در کار گرفته می‌شود که این وجه تمایز کاملاً قراردادی و اختیاری است و اصطلاح موسیقی کلاسیک بسیار گنگ و نامفهوم. فرهنگ پنگوین می‌نویسد:

اصطلاح کلاسیسیزم را معمولاً کلامی مبهم می‌پندارند، اما در واقع سه قلمرو برای معنای آن قابل گشته‌اند:

۱. موسیقی کهن ۲. مخالف و مغایر با موسیقی رمانتیک و انگیزه‌های احساساتی ۳. نوعی از موسیقی که به سبک هایدن، موتسارت و بتهون وابسته باشد.

در دوره کلاسیک چهار آهنگ‌ساز برجسته خودنمایی می‌کنند که عبارت‌اند از: ۱. کریستف گلوک آهنگ‌ساز آلمانی (۱۷۱۴ - ۱۷۸۷)

که به خاطر ایجاد اصطلاحاتی در اپرا شهرت دارد. ۲. هایدن (۱۷۳۲ - ۱۸۱۹) مصنف سنفنی‌ها، موسیقی مجلسی اورتورها و سونات‌ها

۳. موتسارت (۱۷۵۶ - ۱۷۹۱) خالق سنفنی‌های بزرگ، موسیقی مجلسی و اپرا، ۴. بتهون (۱۷۷۰ - ۱۸۳۷) خالق سنفنی‌ها، موسیقی

## دادالیسم

فلسفه ضداجتماعی ۱۹۲۰ که فقط یک احساس زودگذر را در این زمان پدید آورد و بعد تأثیری زیستی و مهم بر درام اروپا بر جای نهاد. در واقع دادالیسم که فاقد نیروی تعقل و استدلال و نیهیلیستی<sup>۹</sup> (هیچ‌گرایی، نیست‌گرایی) و ویرانگر بود، بر بنیاد جامعه، یورش برد و در تماشای‌گران حسی خشم‌آلود پدید آورد و بعد توتر آرتو<sup>۱۰</sup> نویسنده، کارگردان و شاعر فرانسوی را برانگیخت.

### نئورمانتیسم<sup>۱۱</sup>

در کل اصطلاحی مترادف با پست‌رمانتیسیزم<sup>۱۲</sup> یا پست‌واگنریان<sup>۱۳</sup>. رمانتیسیزم تقریباً زمانی را از ۱۸۸۰ تا ۱۹۱۰ دربر می‌گیرد که توسط ریشارد اشتراوس، مالر، سبیلیوس، رحمانینف عرضه گشت. اخیراً تمایلی پدید آمده است که این اصطلاح را برای گرایش ملایم و آرام در کمپوزسیون معاصر متعاقب نئوکلاسیسیزم آتشین و پرتب و تاب سال ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ دانسته‌اند.

## نئوکلاسیسیزم<sup>۱</sup>

اصطلاح و کلامی که در سبک موسیقی به‌ویژه گرایشی به سبک موسیقی ۱۹۲۰ دارد و نهادهایش ترجیح می‌دهد که به نیرو و قدرت سازها به‌خصوص سازهای کوچک اتکا کند تا به سازهای بزرگ.

در کار گرفتن تکنیک کنسرتو گروسو<sup>۲</sup> کنسرتی که برای سه ساز و به سبک سونات ساخته شده باشد، به ارزش‌های هم‌نوازی<sup>۳</sup> توجه و انعطاف دارد.

در واقع نئوکلاسیسیزم از اموسینوالیسم<sup>۴</sup> (گرایش‌های احساسی و عاطفی) پرهیز و اجتناب می‌کند.

در دست‌های استراوینسکی<sup>۵</sup> آهنگ‌ساز روسی و هیندمیت<sup>۶</sup> آهنگ‌ساز آلمانی و دیگران نئوکلاسیسیزم بیشتر شباهت به نئوکلاسیسیزم باخ دارد تا به نئوکلاسیسیزم دوره موتسارت<sup>۷</sup> و احتمالاً خوب‌تر آنکه آن را نئوباروک<sup>۸</sup> بنامیم.



نئوکلاسیسیسم بیش از پیش ناموزون تر و از لحاظ ریتم پیچیده تر می شود، چرا که خطوط فردی رخصت پیدا می کند که طبق عملکرد ملودیک خود بدون توجه به ترکیبات هارمونیک به حرکت در آیند. پس از موارد استثنایی چون سونات فر دیم ناتی و تیاتیس کرایست<sup>۱۳</sup> اثر بوسونی<sup>۱۴</sup> (۱۹۱۷) و سنفنی کلاسیک اثر پروکوفیف، نئوکلاسیسیسم بسیار رواج پیدا کرد و تقریباً در ۱۹۴۰ با روندی مهم در موسیقی عرضه گشت.

سونات برای پیانو فورته (۱۹۲۲) اوکتت<sup>۱۵</sup> آهنگی برای پشت ساز زهی یا بادی (۱۹۲۳) در میان آهنگسازانی که روش نئوکلاسیسیسم خود را بسط و گسترش دادند باید از یارتوک<sup>۱۶</sup> آهنگساز مجارستانی هیندمیت<sup>۱۷</sup> آهنگساز آلمانی، کائلا<sup>۱۸</sup> آهنگساز ایتالیایی، مالی پیرو<sup>۱۹</sup> آهنگساز ایتالیایی و دیگران نام برد.

بی نوشت

1. Classicism.
2. Harvard.
3. Willi Apel.
4. Harper.
5. C. Ammer.
6. Panguin.
7. Nirmia Devi.
8. Readers.
9. Formalism.
10. chronological.
11. Overture.
12. Divertimento.
13. Neo - classisch.
14. Emotionalism
15. Tocata.

16. Passa caglia.
17. Fugue.
18. Ostinato.
19. Concerto grosso.
20. ricercar.
21. Motet.
22. Sonata in Diem nativtatis Christ.
23. Busoni.
24. Octet.
25. Bartok.
26. Hindomith.
27. Casella.
28. Malipiero.

مجلسی، موسیقی برای پیانو، میس اپرا و اورتورها. مورخسان اصطلاح موسیقی کلاسیک را در کار می گرفتند تا موسیقی دهانی را که قرار دادهای معلومی از فرم و ساختار را پذیرا بودند از دیگر آهنگسازانی که در بیان احساسات فردی مصر بودند به اشتناستند و فرهنگ هارپر می نویسد:

به طور کلی کلاسیسیسم در موسیقی به ویژه در قرن ۱۸ که با بسط و گسترش سنفنی ها و پدید آمدن موسیقی دهانی چون هاندل، هایدن و موتسارت، رواج یافت، مشخص و متمایز شده است.

امانوئل کلاسیسیسم<sup>۱۳</sup> نهضتی بود که اساساً بازتابی بر ضد اموسینوالیسم<sup>۱۴</sup> یا عاطفه گرایی و مهار نشده اواخر دوران رمانتیسم که با آرمان های زیبایی شناسی، اشکال و باروش هایی که از موسیقی اولیه آهنگسازان به ویژه آهنگسازان قرن ۱۸ چون باخ، هاندل، پرگولوزی و موتسارت ریشه گرفته باشند، پدید آمد که این خود تأثیر و تأکیدی آشکار است بر ساختار کنترپوان و اشکال کهن چون توکوتا<sup>۱۵</sup> آهنگی با فرم آزاد و پاساکالیا<sup>۱۶</sup> قطعه سازی خصوصاً برای یک رقص) فوگ<sup>۱۷</sup> آهنگی که به نظر می آید تم اصلی به هنگام بسط از تم های فرعی می گریزد) اوستینتو<sup>۱۸</sup> نمودار یا ریتمی در موسیقی که مصرانه تکرار شود) کنسر توگروسو<sup>۱۹</sup> کنسرتی که برای سه ساز به سبک سونات ساخته شده باشد) ریسرکار<sup>۲۰</sup> نوعی از کمپوزسیون کنترپوانی سازی رایج در قرن ۱۶ و ۱۸ م به ویژه با روشی تقلیدی، موتت<sup>۲۱</sup> یک قطعه آواز چند صدایی بر اساس (یکی از فصول انجیل). با کاهش و تقلیل رنگ های از گسترش طنین و رسانی ها و رها کردن موسیقی برنامه ای و تعامل کلی به سبک بیرونی و عینی و مستقل و غالباً بر ضد احساسات رمانتیک سنتزی، قطعه گریزی.

طبعاً بازگشت به باخ (یا دیگر آهنگسازان اولیه) الزاماً به معنای برگشت به زبان موزیکال و زمان او نیست.

### تئاتر یکالیسیسم<sup>۱۷</sup>

فرضیه ای در تئاتر که در ۱۹۰۰ در روسیه و آلمان شکل گرفت و به عنوان مقابله کردن با ناتوریسیسم و بر اساس اصل عقلانی «تئاتر تئاتر است» در زندگی، پدید آمد.

بی نوشت

1. Neo - classicism.
2. Concerto grosso.
3. Contrapuntal Valuus.
4. Emotionalis.
5. Stravinsky.
6. Hindemit.
7. Vienneseclacical.
8. Neo - Baroque.
9. Nihilistie.

10. Artaud.
11. Neoromanticim.
12. Postromanticim.
13. Postwagnerian.
14. Futurism.
15. Marinetti.
16. Meyrhold.
17. Theatrikralism.

### فوتوریسم<sup>۱۴</sup>

نهضتی که در ۱۹۱۰ توسط مارینتی<sup>۱۵</sup> پیشنهاد شد که رادیکالیسیسم (بنیادشکنی) را در ادبیات و در تمامی هنرها حذف کنند.

در موسیقی مدت ها این روش به اجرا در می آمد (در ارکسترها که شامل صدای ماشین ها، تفنگ ها، آژیرها و غیره می شد، ممنوع اعلام گشت).

به هر فرم چشمگیر و موکدی از فرهنگ غربی و قراردادی یا هجایی در یک فراوری، به ویژه آنچه که توسط میر هولد<sup>۱۶</sup> در موسیقی روسیه، اندکی پس از انقلاب مورد استفاده قرار می گرفت، مردود گشت.

این عبارت که امروزه در موسیقی تئاتر شوروی موهن و خفت آور به شمار می آید، تا هر چیزی را در یک فراوری (که به نظر سرکوفت زدن و سخت انتقاد کردن مفهوم اجتماعی را در معنا و متن مبهم و غیر قابل درک می نمود، مورد شورش قرار گرفت).

## رمانتیسیم<sup>۱</sup> یا رمانتیسیم<sup>۲</sup>

از فرهنگ هاروارد<sup>۲</sup>

ویلی اهل<sup>۳</sup>

نو بودند و رمان نویسانی که از لحاظ موضوع به رمانتیسیم قرون میانه (قرون ۱۱ و ۱۲) و دوران شوالیه‌های دلیر و متهور، زنان بزرگوار و راهبان متدین توجه داشتند، روی آوردند.

از این نهضت، موسیقی دانان از همین تمایل در یافتن «چیزی نایاب»<sup>۲۶</sup> می‌کوشیدند (گرایش طبیعی به رؤیا و تخیل، فانتزی و خصیصه‌های غیرعادی، احساسی نیرومند و تخیلی پر شور و نشاط پدید آوردند.

بنابراین امکان دارد رمانتیسیم موزیکال همانند یک هنر خصیصه‌ای داشته باشد که بر عناصر شخصی و فردی و احساسی موزیکال تأکید بگذارد.

به سخنی دیگر بر روح احساسی آدمی تأکید کند و شادمانی، غم، هوس، اشتیاق، شهوت و یأس را پدید آورد.

در موسیقی کلاسیک آهنگ‌سازان این‌گونه احساسات اگرچه باعث غصه و غم گردد، بگویند فرمی از لایه واقعیت‌های ناآگاه را در معرض دید بگذارد. از سوی دیگر موسیقی خودبه‌خود به حقایقی بدل گردد و اشکالی از حقایق را در خود گیرد و در نتیجه راه به رمانتیسیم یابد.

موسیقی مונته وردی<sup>۲۷</sup> آهنگ‌ساز ایتالیایی (۱۵۶۷-۱۶۴۳) که راه به موسیقی رمانتیسیم می‌یابد به این نکته برمی‌خوریم که: «بگذارید احساس ارباب باشد نه پیش خدمت موسیقی».

از نقطه‌نظر موسیقی مهم‌ترین کار رمانتیسیم گسترش و توسعه کامل هارمونی کروماتیک<sup>۲۸</sup> (صداهایی که نیم‌پرده بالا می‌روند یا پایین می‌آیند) (یا آخرین درجه فروپاشی مقام) است به‌ویژه در

رمانتیسیم ۱. رونیتیسیم اولیه (۱۸۲۰-۱۸۵۰) توسط کارل ماریا وبر<sup>۵</sup> (۱۷۸۶-۱۸۲۶) آهنگ‌ساز آلمانی و هکتور برلیوز<sup>۶</sup> (۱۸۰۳-۱۸۶۹) آهنگ‌ساز فرانسوی و فلیکس مندلسون<sup>۷</sup> (۱۸۰۹-۱۸۴۷) روبر شومان<sup>۸</sup> (۱۸۱۰-۱۸۵۶) و فردریک شوپن<sup>۹</sup> آهنگ‌ساز فرانسوی لهستانی (۱۸۱۰-۱۸۴۹) عرضه گشت.

۲. رمانتیسیم میانه (۱۸۵۰-۱۸۹۰) توسط فرانتس لیست<sup>۱۰</sup> (۱۸۱۱-۱۸۸۶) ریشارد واگنر<sup>۱۱</sup> آهنگ‌ساز آلمانی (۱۸۱۳-۱۸۳۱) آنتون فرانک<sup>۱۲</sup> آهنگ‌ساز اتریشی (۱۸۲۴-۱۸۹۶)، اسمتانا<sup>۱۳</sup> آهنگ‌ساز چک (۱۸۲۴-۱۸۸۴)، یوهانس برامس<sup>۱۴</sup> آهنگ‌ساز آلمانی (۱۸۳۳-۱۸۹۷)، چایکوفسکی و دورژاک<sup>۱۵</sup> آهنگ‌ساز چک (۱۸۴۱-۱۹۰۴) ارائه شد.

۳. رمانتیسیم دیرینه (۱۸۹۰-۱۹۲۰) توسط ادوارد الگار<sup>۱۶</sup> آهنگ‌ساز انگلیسی (۱۸۵۷-۱۹۳۴)، گوستاو مالر<sup>۱۷</sup> آهنگ‌ساز اتریشی (۱۸۶۰-۱۹۱۱) مک داول<sup>۱۸</sup> آهنگ‌ساز آمریکایی (۱۸۶۰-۱۹۰۸) ریچارد اشتراوس<sup>۱۹</sup> آهنگ‌ساز آلمانی (۱۸۶۴-۱۹۴۹) سیبلیوس<sup>۲۰</sup> آهنگ‌ساز فنلاندی (۱۸۶۵-۱۹۵۷) ماکس رگر<sup>۲۱</sup> آهنگ‌ساز آلمانی (۱۸۷۳-۱۹۱۶) گوستاو هولست<sup>۲۲</sup> آهنگ‌ساز انگلیسی (۱۸۷۴-۱۹۳۴) و دیگر آهنگ‌سازانی که بین سال‌های ۱۸۶۰ و ۱۸۸۰ به دنیا آمدند مطرح گشت.

نهضت رمانتیسیم (همانند اصطلاح رمانتیک) از مکتب ادبی انگلیسی آلمانی اواخر قرن ۱۸ با فرم‌های نویسندگانی چون سر والتر اسکات<sup>۲۳</sup> و واگنر<sup>۲۴</sup> نویسنده آلمانی (۱۷۷۳-۱۹۸) مروج اولیه نهضت رمانتیسیم، یوهان تیک<sup>۲۵</sup> که در جست‌وجوی تم‌های

## رمانتیسیزم Romanticism یا مکتب رمانتیک

از فرهنگ هارپر ۴۷ کر بستین امر

احساس و بسیاری از شورمندی‌های شخصی و فردی چون عشق و علاقه به کشور (ناسیونالیسم) مؤثر می‌افتند.

عصر و زمانه رمانتیسیزم در موسیقی با بتیون و شوپرت آغاز می‌شود و تا پایان آثار آهنگ‌سازی چون ریچارد اشتراوس و ژان سیبلیوس<sup>۵۰</sup> آهنگ‌ساز فنلاندی (۱۸۶۵-۱۹۵۷) به اتمام می‌رسد که عصر فوق‌العاده غنی و پرباری بود.

در این عصر درام‌های مهم و جدیدی چون پوتم سنفونیک قطعات بیانگر و گویا برای پیانو و موسیقی دراماتیک یا نمایشی، لید<sup>۵۱</sup> ترانه گسترش ادوات موسیقی عمدتاً از لحاظ تکنیک با رشدی فراوان در ارکسترها موجودیت پیدا کرد.

هارمونی از لحاظ دیاتونیسیم<sup>۵۲</sup>، کلید ماژور و یا مینور) برتر و موفق دوره کلاسیک به کروماتیسیم، صداهایی که نیم‌پرده بالا می‌روند و یا پایین می‌آیند) واگنر و ریچارد اشتراوس ارتقا داد و راه را برای موسیقی اتونالیته<sup>۵۳</sup>، عدم تعقیب کامل از گامی

نهضتی در هنرها که تقریباً از ۱۸۲۰ تا ۱۹۱۰ بر موسیقی تأثیر نهاد و این تأثیر بر موسیقی‌دانان زمان حال ادامه یافته است.

رمانتیسیم مقدم بر کلاسیسیسم بود و سبک‌های گونه‌گونی به دنبال آن پدید آمد که برخی از آن‌ها بازتاب فراوانی بر خلاف رمانتیسیم (امپرسیونیسم، نئوکلاسیسیزم) و برخی دیگر بسیار آزاد و مستقل بر ضد (آلیاتوری<sup>۴۸</sup> اصلاحی منحصر و محدود به کمپوزیسیون که در آن فرصتی به دست می‌آید تا بخشی را صراحتاً در اجرا ایفا کند) موسیقی الکترونیک و موسیقی سریال<sup>۴۹</sup> نت‌های متوالی در نظامی معین عرضه می‌شود اما لزوماً به خلق ملودی نیازی ندارد، بلکه میان آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند) مؤثر واقع می‌شوند و هنوز برخی دیگر تا اندازه‌ای به شاخه‌ای از موسیقی (اکسپرسیونیسم) در جهت خلاف آن گام برمی‌دارند.

خصیصه اصلی رمانتیسیزم در موسیقی و دیگر هنرها بر



موسیقی ارکستری.

در واقع رمانتیسم تمهیدهایی نظیر تمپو<sup>۳۹</sup> (سرعت و ضرب) روباتو<sup>۴۰</sup> (اجرای یک آهنگ با آزادی منحصر در زمان) و نوسان دینامیک<sup>۴۱</sup> را نیز مشخص می‌دارد.

عصر و زمانه رمانتیک در موسیقی، با آثار دیرینه بتهون و شوپرت آغاز می‌شود و با آثار آهنگسازی چون ریشارد اشتراوس پایان می‌گیرد و با عصر و زمانه غنی و فوق‌العاده ژان سیلیوس به انتها می‌رسد. اما فرم‌های جدید و مهمی چون پوئم سنفونیک و قطعات کوتاه بیانگر و گویا و موسیقی دراماتیک یا نمایشی و لید<sup>۴۲</sup> ترانه گسترش ادوات موسیقی عمدتاً از لحاظ تکنیک با رشدی فراوان در ارکسترها موجودیت پیدا کرد. هارمونی از دیاتونیک برتر<sup>۴۳</sup> (فواصل موجود در یک گام بزرگ یا کوچک) دوره موسیقی کلاسیک به کروماتیسیم<sup>۴۴</sup> (فواصل نیم‌پرده) واگنر و ریچارد اشتراوس گسترش پیدا می‌کند و راه را برای دستیابی به اتونالیته<sup>۴۵</sup> (اصطلاحی غالباً آزادانه در موسیقی با هارمونی ناآشنا) باز می‌کند. مواد جدید با آهنگ‌سازان جدی چون آوازهای فولکلوریک، عناصر موسیقی شرقی در قرون میانه واقع‌بینانه (ورسیمو<sup>۴۶</sup>) در کار گرفته می‌شدند.

با احساسی وسیع، تمام این مشخصه‌ها از کوشش‌هایی جهت نزدیک‌تر کردن موسیقی با احساسات آدمی حضور پیدا می‌کنند. در بیان آهنگ‌سازان قرن بیستم که نفوذی نیرومند در نهضت رمانتیسم پس از آنکه دیگر نیروی عظیمی در هنرها از خود نشان نداد، باید از هوارد هنسن<sup>۴۷</sup> آهنگ‌ساز آمریکایی (تولد ۱۸۹۶) کودای<sup>۴۸</sup> (۱۸۸۲-۱۹۶۷) آهنگ‌ساز مجارستانی و منوتی<sup>۴۹</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مجله علمی-پژوهشی  
سال پنجم علوم انسانی

معین قرن بیستم هموار کرد. موادی نو برای آهنگ‌سازان گرانبار قرن بیستم (چون آوازهای فولکلوریک، عناصر موسیقی شرقی) کالبد و مطالبی از قرون میانه با همان شیوه واقع‌بینانه زمان حال (ورسیمو<sup>۴۲</sup> اصطلاحی به‌ویژه برای اپرای ایتالیایی تقریباً ۱۹۰۰ ماسکانی<sup>۴۵</sup> آهنگ‌ساز ایتالیایی (۱۹۴۵-۱۹۶۳) فراهم آورد.

در حسی پهن‌آور تمامی این خصیصه‌ها از کوشش برای نزدیک‌تر کردن احساسات آدمی به موسیقی انجام می‌گرفت.

مهم‌ترین آهنگ‌سازان رمانتیک که نفوذی نیرومند در گسترش رمانتیسم قرن بیستم داشته‌اند می‌توان از ادوارد هنسن و کودای<sup>۴۶</sup> (آهنگ‌ساز مجارستانی، ۱۸۸۲-۱۹۶۷) و منوتی<sup>۴۷</sup> آهنگ‌ساز ایتالیایی آمریکایی نام برد.

آهنگ‌ساز ایتالیایی آمریکایی نام برد. در آخر فرهنگ هارپر<sup>۴۰</sup> تألیف کریستین امر<sup>۴۱</sup> نهضتی در هنرها که از ۱۸۲۰ تا ۱۹۱۰ او تا به امروز بر آهنگ‌سازی چند تأثیر نهاده است.

رمانتیسم پیش از دوره کلاسیسم پدید آمده است و به دنبال آن سبک‌های متعدد زیادی شکل گرفتند؛ برخی بر ضد رمانتیسم، امپرسیونیسم و نئوکلاسیسم سخن به میان آوردند و سبک‌های زیادی هم مستقل از آن (چون موسیقی آلیاتوری<sup>۴۲</sup> اصطلاحی منحصر به آهنگ‌سازی که در آن تصادفاً بدون قصد و هدف و یا تصمیم خود بخشی از یک آهنگ را در اجرا معمول دارند) موسیقی الکترونیک و موسیقی سریال<sup>۴۳</sup> هر کمپوزیسیون موزیکالی که بر اساس تسلسلی ویژه<sup>۴۴</sup> از دانگ‌ها<sup>۴۵</sup> (تتها) ریتم<sup>۴۶</sup> دینامیک (پویاشناسی) و دیگر عناصر که پشت سر هم و تئوریک در آهنگ تکرار گردد) و بخش‌های دیگر رویشی از اکسپرسیونیسم. خصیصه اصلی رمانتیسم در موسیقی، همانند دیگر هنرها، تأکید بر احساسات دارد (چه احساسات شخصی و فردی و دیگر احساسات چون وطن‌دوستی).

عصر و زمانه موسیقی رمانتیسم با آثار آخر و دیرینه بتهون و شوپرت آغاز می‌شود و با عصر و زمانه ریچارد اشتراوس و سیلیوس پایان می‌گیرد که دورمای فوق‌العاده غنی به شمار آمده است. در این دوره فرم‌های مهم و جدیدی چون پوئم سنفونیک و قطعات کوچک بیانگر و گویا و موسیقی دراماتیک و لید و بسط و توسعه سازها، کلا در بسط و گسترش تکنیک و رشد ارکستر پدید آمدند.

بی‌نوشت:

1. Romantism.
2. Romanticism.
3. Harvard.
4. Willi Apel.
5. C. M. Weber.
6. H. Berlioz.
7. F. Mendeson.
8. R. Schumann.
9. F. Chopin.
10. F. List.
11. R. Wagner.
12. A. Frank.
13. Smetana.
14. U. Brams.
15. Dvorak.
16. E. Elgar.
17. G. Mahler.
18. Mac Dowell.
19. R. Stauss.
20. Sibelus.

21. M. Reger.
22. G. Helst.
23. W. Scott.
24. Wackeroder.
25. Johann tieck.
26. Sanetaing nonevis-tent.
27. Menteverdi.
28. Chromatic.
29. Tempo.
30. rubato.
31. Dynamic Fluction.
32. Lied.
33. Predominating Dia-tonique.
34. Chromaticism.
35. Atonality.
36. Versimo.

37. H. Hanson.
38. Z. Kodaly.
39. Menotti.
40. Harper.
41. C. Ammer.
42. Aleatory.
43. Serial M.
44. Series.
45. Pitch.
46. rhythms.
47. Harper.
48. Aleatory.
49. Serial Music.
50. J. Sibelius.
51. Lied.
52. Diatonism.
53. Atonality.
54. Versimo.
55. Mascagni.
56. Z. Kodaly.
57. Menotti.

## اکسپرسیونیسم، بیانگری، تفسیر گرایي در موسیقي

از کتاب‌های هارپر<sup>۲</sup> ادبیات اروپایی، اصطلاحات ادبی، هاروارد، پنگوئین<sup>۱</sup>

نهضت و جنبشی تئاتری یک چند بر تئاتر آلمان حاکم بود و در واقع آن را واکنشی<sup>۵</sup> بر ضد تئاتر رئالیسم<sup>۶</sup> واقع‌گرایی می‌دانستند.

اکسپرسیونیسم بیشتر واقعیت‌های روان‌درونی را جست‌وجو می‌کرد تا نموده‌های مادی<sup>۷</sup> را احتمالاً بتوان از خلستگاه و منشأ مستقیم در آثار بعدی هنریک ایبسن نمایشنامه‌نویس نروژی (۱۸۲۸ - ۱۹۱۶ م) نمایش رویایی لوگوست استرینگ برگ<sup>۸</sup> نمایشنامه‌نویس سوئدی (۱۸۴۹ - ۱۹۱۲)

در آلمان درام‌روانی از نمایشنامه‌نویسان پیشین چون وده کیند<sup>۹</sup> (۱۸۶۴ - ۱۹۱۸) خطوطی یکسان گسترش پیدا کرد و پس از جنگ جهانی تئاتر آلمان از دادائیسم<sup>۱۰</sup> القایی نیرو گرفت و به سوئیسی راه یافت.

سونلت اشباح<sup>۱۱</sup> اثر اوگوست استریندبرگ نمایشنامه‌نویس سوئدی (۱۸۴۹ - ۱۹۱۲) رئالیسم و فانتزی<sup>۱۲</sup> آهنگی رویایی به فرم آزاد را کملاً نوابسته در هم می‌آمیزد به گونه‌ای که ما هرگز به یقین نمی‌دانیم کدام شخصیت‌ها وجود دارند و چگونه عمل می‌کنند.

نتیجه این تأثیرات گونه‌گون تئاتری بود که در آن حالت روان‌شناختی حتی گزاف‌های بیمارگونه با به کار گرفتن صحنه‌پردازی<sup>۱۳</sup> اثاثه سمبولیک و نمادین اکتشاف‌گرایانه و بازیگری افراطی لحن و حالت آن به حد اعلاي خود برسد.

بعد در ۱۹۳۰ فلز<sup>۱۴</sup> یا مرحله و گام<sup>۱۵</sup> (اصوات متوالی در یک دستگله موسیقی) ذهنی حالات و جنبه‌های ذهن و روح در صحنه با بازی فورمالیسم<sup>۱۶</sup> صورت‌گرایی و حالت اجتماعی به اوج خود سر می‌کشد و جامعه به نمونه‌هایی برتر بدل می‌گردد.

بهترین و مشهورترین نمایشنامه‌نویس اکسپرسیونیستی از این نوع روش سود جست نمایشنامه‌نویسانی چون ارنست تولر<sup>۱۷</sup> (۱۸۹۳ - ۱۹۳۹) آلمانی یهودی، کارل چاپک<sup>۱۸</sup> نمایشنامه‌نویس چک و المر رایس<sup>۱۹</sup> درام‌نویس امریکایی از این جمله‌اند.

در واقع ارنست تولر یکی از بهترین و برناترین نهضت و مکتب اکسپرسیونیسم بود که نخستین نمایشنامه او با نام دگرگونی<sup>۲۰</sup> (۱۹۱۹) به عنوان نهضت مخالفت با شرکت در جنگ و در حبس کشیدن به رشته تحریر درآمد و دو سال بعد با نوشتن ماشین خاموش<sup>۲۱</sup> (۱۹۲۲) که مربوط به طغیان‌های لودیت<sup>۲۲</sup> در لندن به روی صحنه آمده زندانی شد.

جون تالر در شخصیت قهرمانی خود جیم کوبت<sup>۲۳</sup> که از طغیانگران و مردی باهوش بود مورد تهدید قرار گرفته.

اما نمایشنامه‌های تولر از جمله «ما دوست داریم» و «غریب» در تئاتر گیت<sup>۲۴</sup> چون تراژدی خانگی یا خانوادگی<sup>۲۵</sup> آلمانی به نمایش درآمد.

باری اصطلاح اکسپرسیونیسم (احتمالاً توسط وکسل<sup>۲۶</sup> پس از یک رشته نقاشی‌های ژولین آگوسته هروه<sup>۲۷</sup> (تحت عنوان اکسپرسیونیسم) در اوایل قرن ۲۰ توسط عدمای از نقاشان که با بردگی مخالفت می‌ورزیدند که در نظرشان نمود و واقعیت درونی و باطنی دیگری داشته، عرضه گشت.

در کل اصطلاح اکسپرسیونیسم را می‌توان درباره ادبیات تدبیرانه دانست و آن را در کار گرفت. اختصاراً می‌توان اصل مهمی را که میان فرم

مشخص و متمایز به گونه تخیل و گفت‌شناسی (سیناکس<sup>۲۸</sup>) در نظر گرفته می‌شود، تعبیر کنیم.

در واقع بر قواعدی ویژه فرمال (صوری) و از کلان نویسنده‌گی می‌تواند این مقصود را بیان دارد.

نگرش‌های اکسپرسیونیستی تأثیر قابل ملاحظه‌ای در آلمان و اسکندیناوی بر جای گذاشت، در واقع اکسپرسیونیسم یک چند در قرن ۱۹ بر تئاتر تسلط یافت و لز جهت تئاتر و کنشی بر ضد رئالیسم داشت و بر آن بود که روان‌درونی واقعیت‌ها را درک کند و آن‌ها را بشناسد.

فشار این سخن احتمالاً در نمایشنامه‌روایی<sup>۲۹</sup> (۱۹۰۷) و سونات اشباح (۱۹۰۷) و نمایشنامه‌های وده کیند نمایشنامه‌نویسانی در همین دوران قویاً اکسپرسیونیست بوده‌اند.

وده کیند خشونت‌بلر آثاری ضدیورژوازی نوشت (۱۸۹۱) که سه نمایشنامه از این نمایشنامه‌ها چون «بیداری بهار»<sup>۳۰</sup> در حقیقت فاجعه‌آمیز یا تراژدی کودکان بود داستان دو پسر ۱۴ ساله‌ای که با نافرستی اخلاقی پدر و مادر مستبد خود سرناسازگاری دارند.

اگرچه نمایشنامه‌های وده کیند نفوذ و تأثیر گورهرت هاپمن<sup>۳۱</sup> نمایشنامه‌نویس آلمانی (۱۸۶۲ - ۱۹۶۴) در نمایش‌های خود دارد، با این همه، در فانتزی‌ها و آثار سمبولیستی<sup>۳۲</sup> نماد‌گرایی و اکسپرسیونیستی نیز مشهود است.

وده کیند در نمایش Die Judg Welt که افکاری بر ضد امور جنسی دارد، طغیانگر به شمار می‌آید.

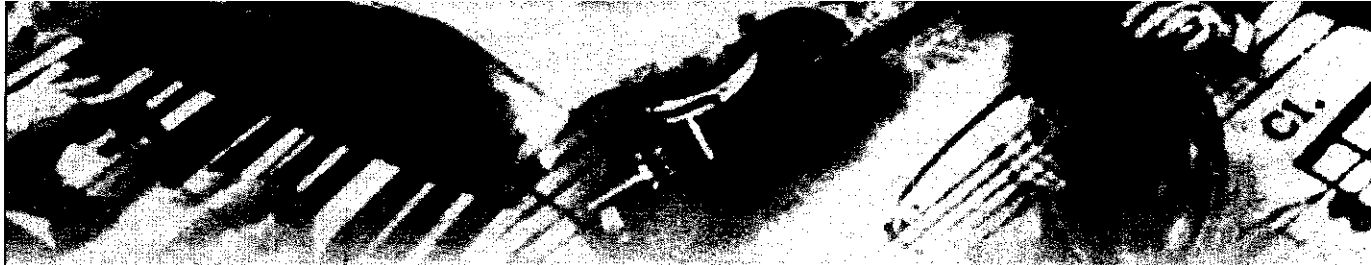
وده کیند در نمایش بیداری بهار (۱۸۹۱) نیز چنین افکاری دارد و می‌گوید: «در نظر من امور جنسی به گونه یک طلوعون جلوه‌گر می‌شود، طلوعونی که توانمند است و روابط ما را از یکدیگر می‌گسلد. یک بار من با مدگار اورس<sup>۳۳</sup> سفری به جنگل‌های می‌سی‌سی‌پی کردیم. او در جست‌وجوی یافتن انگیزه قتل مرد سیاهی بود که یک کفاش او را کشته بود. آن شب عده زیادی با او انس در کابین تاریکی به نجوا حرف می‌زدند و ما با تهاججه به دنبال قاتل می‌گشتیم. اما کوششمان بی‌نتیجه ماند نمی‌دانم چطور شد که ما چرا به کلسی از یادمان رفت و دیگر به چنین قتلی فکر نکردیم. شاید حالتی از اکسپرسیونیسم در وجودمان پدید آمده بود.»

کتاب اصطلاحات ادبی اثر سیلوان پارت<sup>۳۴</sup> نهضت اکسپرسیونیسم حاکم به‌ویژه در نقاشی آلمان طی یک دهه در جنگ جهانی اول نه تنها در برابر چشم‌ان آرم و عاری از احساسات تجلی می‌کند، بلکه زندگی (یا شخصیت آن را) با احساساتی پر شور تجلی می‌دهد از این رو اکسپرسیونیسم آگاهانه ظاهر برونی را کژنمودارانه عرضه می‌دارد تا شیئی را همان طور که هست نشانمان دهد.

مثلاً صحنه‌پردازی در یک درام اکسپرسیونیستی به گونه‌ای تصویر و عکس‌برداری بی‌خطا انجام نمی‌گیرد، بلکه جویری اشیا را قلب می‌کند که یک دیوار ابلهانه در تالاری تغییر جهت و مکان بدهد و حالت ذهن را انعکاس دهد.

در میان نمایشنامه‌نویسان کلاسیک یوجین اونیل<sup>۳۵</sup> نمایشنامه‌نویس امریکایی (۱۸۸۸ - ۱۹۵۳) با نوشتن نمایش گوریل پشمالو<sup>۳۶</sup> از مکتب





و سموتل بکت نهاده است.

اکسپرسیونیست در ادبیات، جهان و هنر را بیشتر از طریق عواطف و احساسات در نظر می‌آورد. در واقع یک اکسپرسیونیست حقایق را بیان می‌کند که بر حسب احساسات و تأثیرات شخصی و فردی خود درک می‌کند.

در این گونه آثار واقعیت به همان شکلی تجریشده‌ای که در نظر نویسنده، شاعر و نقاش جلوه‌گر است بیان می‌شود.

اکسپرسیونیسم در آثار ادبی بیشترین تأثیر را در نمایش و تئاتر بر جای گذاشته است. که مشخصات چنین نمایش‌هایی کلاً از این قرار است:

گفت‌وگوهای ادیبانه، صورت‌ک که شخصیت‌ها بر چهره می‌آورند و وسایل ناموزون صحنه، بهره‌برداری از ابزار جدیدی چون صحنه گردان، جلوه‌های ویژه دیو نورپردازی و صدا و یادبند گرفتن طولی زبان.

نمایشنامه‌نویسان اکسپرسیونیست در آلمان گئورگ کایزر، نویسنده نمایش «گاز»<sup>۴۵</sup> از نام تا شام<sup>۴۶</sup> و ارنست تولر نویسنده نمایش «گروه مردان» و برتولد برشت بوده‌اند.

این نمایشنامه‌نویسان تأثیر ژرفی بر تئاتر آمریکا بر جای گذاشته‌اند یکی از نویسندگان متأثر از این نهضت اکسپرسیونیسم یوجین اونیل است که در نمایشنامه امپراتور جونز<sup>۴۷</sup> با استفاده از صحنه‌های متوالی و نمادین خاطرات فردی و نژادی و توهمات مکرر یک سیاه‌پوست و وحشت‌زده معاصر را مجسم می‌کند.

نمایشنامه مرگ یک پیشه‌ور<sup>۴۸</sup> اثر آرتور میلر و نمایشنامه‌های تئاتر پوچی<sup>۴۹</sup> نیز با این شیوه نوشته شده و به اجرا در آمده‌اند.

اکسپرسیونیسم مایه می‌گیرد.

اکسپرسیونیسم همچون کوبیسم<sup>۳۷</sup> سبکی هنری در واکنش و عکس‌العکس با ناتورالیسم یا طبیعت‌گرایی قرن بیستم به شمار می‌آید. نقاشان اکسپرسیونیسم به‌ویژه نهضت امپرسیونیسم از وان گوگ<sup>۳۸</sup> نقاش هلندی (۱۸۵۲ - ۱۸۹۰) پیشرو نهضت اکسپرسیونیسم و فوولیسم<sup>۳۹</sup> نهضتی متشکل از نقاشان فرانسوی که از تمایلات هنری رایج آکادمیک دوری برگزیدند و خود را جاتوران وحشی<sup>۴۰</sup> و یا حیوانات رام‌نشدنی نام نهادند و گوگ<sup>۴۱</sup> نقاش فرانسوی (۱۸۴۸ - ۱۹۰۳) که آثارش با امپرسیونیسم<sup>۴۲</sup> نمادگرایی همراه شده، نشئت گرفت و با احساس عرضه گشت و فرامی‌بخشد.

نهضت اکسپرسیونیسم در آلمان و اسکاتلندی سخت‌مورده پسند واقع گشت و حتی آلوده مونش<sup>۴۳</sup> (۱۸۶۳ - ۱۹۲۴) نقاش تروزی که ابتدا کار تروزیالیستی بود و بعد به سمبولیسم گرایید، به این نهضت پیوست و احساسات نفسی از وحشت، درد و تنهایی را در آثار خود در معرض تماشا گذاشت.

تمهید برخی از اکسپرسیونیست‌ها در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم در درام تجلی پیدا کرد.

به تعریفی دیگر نهضت اکسپرسیونیسم ابتدا پیش از جنگ جهانی اول رخ نمود و از ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۵ درخشیدن گرفت و به یوهانس باختر<sup>۴۴</sup> شاعر آلمانی و نمایشنامه‌نویس آلمانی چون گئورگ کایزر<sup>۴۵</sup> (۱۸۷۸ - ۱۹۴۵)، ارنست تولر<sup>۴۶</sup> (۱۸۹۳ - ۱۹۳۹) شاعر آلمانی و یکی از برجسته‌ترین درام‌نویس اکسپرسیونیستی این کشور و در آخر به فرانتس ورفل<sup>۴۷</sup> نویسنده اتریشی (۱۸۹۵ - ۱۸۹۰) تأثیر فراوانی نهاد.

حتی یوجین اونیل و شون اوکیسی<sup>۴۸</sup> درام‌نویس ایرلندی که توانست زندگی زاغ‌منشینان ایرلندی را ماهرانه نشان دهد، در آثار بعدی خود از نهضت اکسپرسیونیسم متأثر شدند. اگر بخواهیم کلی‌تر درباره نهضت اکسپرسیونیسم سخن بگوییم، باید به‌طور خلاصه خاطر نشان کنیم که این اصطلاح به سبکی از نقاشی و پیکرتراشی و یا ساختار ادبی اطلاق می‌شود که با دنیای احساسات درونی آدمی پیوند می‌خورد تا با حقایق بیرونی جهان یک نقاش امپرسیونیست طبیعت را تقلید نمی‌کند، بلکه نمود طبیعی را قلب می‌کند تا آنچه که نقاش امپرسیونیست درباره موضوعی حس می‌کند، بیفزاید. یا آنچه را که صرفاً از رنگ‌ها و فرم‌هایی که مربوط به طبیعت نیست، عرضه ندارد، اما روحیه خود را محفوظ دارد. در این راستا برخی از نقاشان چون وان گوگ آثار خود را اکسپرسیونیستی می‌پندارد و پیکاسو در آثار خود چون گوئرینیکا<sup>۴۹</sup> تمامی وحشت جنگ را با فرم‌های ویژه خود قلب می‌کند.

آثار هنری ماتیس<sup>۵۰</sup> نقاش فرانسوی پیشگام امپرسیونیستی پس از جنگ (به گفته خودش) بیابان‌های «ترازگر یا متوازن» بی‌آینه و آراسته و از هر موضوع مسئله‌آفرین و آشوبگر چون آثار اکسپرسیونیستی اجتناب‌گردد بهترین نقاشانی که در این زمینه چنین اندیشه‌ای را بیان می‌کنند، باید از پل کلی<sup>۵۱</sup> نقاش سوئیسی (۱۸۷۹ - ۱۹۴۰) مارک<sup>۵۲</sup> و واسیلی کاندینسکی<sup>۵۳</sup> روسی فرانسوی (۱۸۶۶ - ۱۹۴۴) و شاگال<sup>۵۴</sup> (۱۸۸۹ - ۱۹۸۵) نام برد.

فرضیه و بگرش اکسپرسیونیستی نیز تأثیراتی چند بر نویسندگان و نقاشانی چون ویندهم لوئیس<sup>۵۵</sup> (۱۸۸۲ - ۱۹۵۷) جیمز جویس فرکاند

- پی‌نوشت
1. Expressionism
  2. Hiper
  3. Harvard
  4. Penguin
  5. Reaction
  6. Realism
  7. Physical
  8. A. Stringberg
  9. Wado Kind
  10. Dedalem
  11. The Ghost Bonata
  12. Fantale
  13. Scenery
  14. Phrase
  15. Gamme
  16. Formalism
  17. Ernest Toller
  18. Karel Cápек
  19. E. Rice
  20. Die Wandrbng
  21. Die Machine Strmar
  22. Luddite
  23. Cobbett
  24. Gate Theatre
  25. Family Tragedy
  26. Vauxcellex
  27. J. A. Herve
  28. Syntax
  29. Dream play
  30. Spring awaking
  31. Gerhart Hauptman

32. Symbolistic
33. Medgar Evrs
34. S. Barnet
35. Eugene O'Noill
36. The Hairy Ape
37. Qubism
38. Van Gogh
39. Foxvorn
40. Ies Fauve
41. Goupen
42. Symbolism
43. E. Munch
44. J. Bacher
45. G. Kaiser
46. E. toller
47. F. Werfel
48. Sean O'casey
49. Guernica
50. Henri Matisse
51. P. Klee
52. Mark
53. V. Kandinsky
54. Chagall
55. Wyndham Lewis
56. Gas
57. From Mom To Midnight
58. The Emperor Gones
59. The Dead of sale Man
60. Theatre of The Absurd